

آنها تعرض بکند ممکن است ضربه بزند، اما ضربه‌ی بزرگ‌تر را خودش خواهد خورد؛ کما اینکه تا حالا این‌جوری بوده. آمریکایی‌ها یک بار هم اینجا حمله کردند به طیس -یادتان هست- خودشان را نجس کردند، برگشتند رفتند! ●

خط حزب الله منتشر می کند:

پیرو سخنان حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی که در تاریخ ۲۲

مرداد ماه در جمع هزاران تن از اقشار مختلف مردم بیان شد، از آنجایی که برخی از حاضران درباره‌ی فرازی

از سخنان معظم‌له دچار ابهام شدند و به دنبال آن، این فراز انعکاس تحریف‌شده‌ای در رسانه‌ها یافت، به

اطلاع می‌رساند: فرمایشات معظم‌له ناظر به صدور اجازه برای مذاکرات وزیر خارجه دولت یازدهم و همتای

آمریکایی‌اش بوده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این دیدار فرمودند:

«در قضیه برجام، بنده اشتباه کردم اجازه دادم که وزیر خارجه‌ی ما با آن‌ها صحبت کند، ضرر کردیم.»

۴ جنگی که آمریکا با ایران آغاز کرد

۷. از جنگ فرهنگی هم مأیوس‌نشد. ببینید... یک حرکت وسیع فرهنگی علیه کشور ما در دهه‌ی ۷۰ شروع شد؛ حالا شما نگاه کنید؛ متولدین دهه‌ی ۷۰، امروز دارند می‌روند به عنوان مدافع حرم جان می‌دهند... چه کسی این را حدس می‌زد؟ در همان دورانی که آن‌ها تهاجم وسیع فرهنگی بود، این‌کل‌ها در بوستان جمهوری اسلامی شگفته شدند، این نهال‌ها رویدند، حججی‌ها درست شدند؛ پس ما در جنگ فرهنگی پیروز شدیم و دشمن در جنگ فرهنگی شکست خورد.

۴. حالا دشمن بعد از شکستی که در
جهبه‌ی فرهنگی خورده و در جهبه‌ی امنیتی
خورده و در جهبه‌ی سیاسی خورده و در
جهبه‌ی نظامی خورده، متمرکز شده روی
جهبه‌ی اقتصادی... در جنگ اقتصادی هدف
آمریکا ایجاد نارضایی است؛ هدفشان این
است؛ می‌خواهند نارضایی ایجاد کنند بلکه
بتوانند این نارضایی را به اغتشاش داخلی
تبدیل کنند... دارند پول خرج می‌کنند،
زحمت می‌کشند برای اینکه یک حادثه
درست کنند، این جور ی از آب درمی‌آید؛
ملت به‌هوش است، ملت با بصیرت است...
بله، قضایای معیشت، مردم را فشار می‌دهد،
خیلی‌ها هم اوقاتشان تلخ است، نارضایتی، اما
زیر بار توپنه و خواست سیاسی آمریکا و فلان
رژیم بدبخت روسیه که ملت ایران نمی‌رود!

اقتصادی کشور از کجاست؟

چرا مذاکره با آمریکا ضرر دارد؟

شهادت، یعنی وارد شدن در حریم خلوت الهی | این شماره تقدیم می‌شود به روح پرفتوح شهید سرهنگ خلبان محمد نوژه

بهترین مردن‌ها، شهادت است. بالاترین اجرا برای انسانی که در راه خدا مبارزه می‌کند، نوشیدن شربت گوارای شهادت است. خوشایه حال آن عزیزان، و گوارا باد بر آنها این نعمت بزرگ الهی! آنها با شهادت، اجرشان را گرفتند. شهادت، یعنی وارد شدن در حريم خلوت الهی، و میهمان شدن بر سر سفره‌ی ضیافت الهی؛ این کم چیزی نیست؛ این خیلی با عظمت است. پروردگار! تو را به حق خون شهیدان، تو را به حق اولیای، تو را به حق صاحب‌الزمان (ارواح‌نفاذه)، مرگ ما را هم به شهادت در راه خود قرار بده. ● ۷۰/۱۱

شهادت: تیر بار مخالفان انقلاب به هوا پیمایش

تاریخ شهادت: ۵ مرداد ۱۳۵۸ 

مزار: گلزار شهدای بهشت زهرا

ریشه مشکلات اقتصادی کشور از کجاست؟



۱. مشکلات معیشتی، امروز چیزی است که آحاد مردم، همه آن را احساس می‌کنند؛ یک بخشی از مردم هم بشدت و واقعاً زیر فشارند؛ گرانی هست؛ در مواد غذایی، گوشت، تخم‌مرغ، مرغ، بقیه‌ی چیزهای لازم در زندگی، اجاره بهای مسکن، دروسایل منزل، وسایل دیگر و امثال اینها... مشکلات اقتصادی کنونی کشور است.

کارشناسان اقتصادی کشور و بسیاری از مسئولین، متفقند بر اینکه عامل این حوادث، تحریم‌های خارجی نیست، عامل این حوادث، درونی است، مشکلات داخلی است. بسیاری از مسئولین هم این را بر زبان آورده‌اند، گفته‌اند... نه اینکه تحریم‌ها اثر ندارد؛ چرا، تحریم‌ها هم اثر دارد؛ اما عمده‌ی تأثیر، مربوط به عملکرد ماها است... بیشتر مشکل، ناشی از مسائل درونی و داخلی خود ما است.



۲. نقدینگی عظیمی در کشور به وجود آمده که این هم ناشی از اشتباهات است؛ خود این یکی از سیاست‌های اشتباه است که نتیجه‌اش این شده است که نقدینگی در کشور افزایش پیدا کند که مشکلات فراوانی را به وجود آورده... مؤکداً سفارش می‌کنم که بنشینند فکر کنند، از آدم‌های وارد و مطلع و باهوش کمک بگیرند و راه‌هایی پیدا کنند برای هدایت این نقدینگی عظیم به سمت تولید؛ می‌شود، این کار شدنی است، این کار عملی است؛ وظیفه‌ی مسئولین محترم دولتی و اقتصادی است و باید این کار را انجام بدهند. ●



۳. در همین قضیه‌ی ارز و سکه و این حرف‌هایی که این دو سه ماهه پیش آمد، خب، مبالغ زیادی... بر اثر بعضی از بی تدبیری‌ها و بی توجهی‌ها، آمد دست افرادی که از آن سوءاستفاده کردند... خب اینها مشکلات مدیریتی است؛ این ربطی به تحریم ندارد. مسئولین محترم کشور، به این معنا اذعان دارند؛ قبول دارند که مشکل این جوری هست؛ بنابراین بسیاری از مشکلات از این قبیل است. مشکلات، مربوط به نحوه‌ی مدیریت ما و نحوه‌ی سیاست‌گذاری اجرایی ما است... ارز را یا سکه را وقتی که به صورت غلط تقسیم می‌کنند، این دو طرف دارد؛ یکی آن که می‌آید این را می‌گیرد... یکی آن که این را می‌دهد. ما همه‌اش داریم دنبال آن کسی که «می‌گیرد» می‌گردیم... درحالی که تقصیر عمده متوجه آن کسی است که «داد»؛ او را باید دنبال کرد... لکن بالاخره یک تخلفی انجام گرفته، یک خطای بزرگ انجام گرفته... که ضررش به مردم برگشت. وقتی این جور قیمت ارز ترقی پیدا می‌کند - یعنی قیمت ریال می‌آید پایین - خب برای آن کارمندی که روزمزد است یا حقوق اندکی دارد، دیگر چیزی باقی نمی‌ماند.

حرف خائنان‌های که بعضی افراد آن را تکرار می‌کنند

در کشور هیچ بن بست و وجود ندارد؛ در همین زمینه‌ی اقتصادی، هیچ بن بست و وجود ندارد. این جور نیست که راه حل نباشد؛ خیر، مشکلات کشور، مشکلات اقتصاد، شناخته شده است، راه حل‌ها هم شناخته شده است. کهنده‌ها پادان شاه‌الله همت کنند، دامن همت به کمر بزنند، که خب شروع کرده‌اند؛ اینکه دشمن و به تبع دشمن یک عده آدم بست داخلی در فلان مطبوعه، در فلان سایت اینترنتی این جور تبلیغ کنند که «کشور دیگر به بن بست رسید، هیچ راهی وجود ندارد جز اینکه پناه ببریم به فلان شیطان یا فلان شیطان اکبر»؛ این دیگر خبائات است. دستگاه‌های تبلیغاتی - چه صداوسیما، چه مطبوعات، چه این وبگاه‌های فضای مجازی - سبذر ناامیدی نپاشند در مردم؛ جوری حرف نزنند که یک عده‌ای را ناامید کنند؛ از اسلام... گاهی در یک روز نامه‌ای، در یک بر نامه‌ی تلویزیونی‌ای، یا در یک بر نامه‌ی رادیویی، جوری حرف زده می‌شود که آدم می‌بیند «عجب! مثل اینکه همه‌ی درها بسته است»؛ خب این جور نیست؛ درها بسته نیست... اگر کسی اعلام کند که خیر، نمی‌شود دیگر کاری کرد و دیگر کار از کار گذشته - یعنی اعلام بن بست - اگر کسی چنین کاری را بکند، یا جاهل است یا حلاعرض کردم من نمی‌خواهم نسبت خیانت به کسی بدهم؛ اما حرف، خائنانه است؛ اگر ناشی از جهالت نباشد. ●

۴. سؤم، از طرف مقابل مذاکره امتیاز نقد می‌خواهند، از او وعده قبول نمی‌کنند؛ می‌گویند ما اطمینان نداریم، امتیاز نقد از او مطالبه می‌کنند... اگر چنانچه طرف مقابل از دادن امتیاز نقد امتناع بکند، هوجی گری تبلیغاتی و رسانه‌ای و هیاهو در سطح دنیا راه می‌اندازند که بله، اینها مذاکره نمی‌کنند... یک هیاهوی عظیمی که معمولاً طرف مقابل کم می‌آورد در مقابل این هیاهو؛ معمولاً طرف مقابل منفعل می‌شود، دچار انفعال می‌شود.

۵. چهارم، خودش به جای اینکه در مقابل آنچه از او نقد می‌گیرد چیز نقدی به او بدهد، مثل هر معامله‌ای که شما پول می‌گیرید و جنس باید بدهید، جنس نمی‌دهد؛ نقد را می‌گیرد، در مقابلش وعده می‌دهد، اما وعده‌های قرص و محکم: مطمئن باشید، تردید نکنید، شک نکنید؛ با وعده دل طرف مقابل را خوش می‌کند و طرف مقابل [هم] می‌بیند دارد وعده می‌دهد با این قرصی و با این محکمی.

۶. مرحله‌ی آخر؛ بعد که قضیه تمام شد و کارش گذشت، زیر همین وعده هم می‌زند، این وعده‌ی قرص و محکم را هم مثل باد هوا فراموش می‌کند! روش مذاکره‌ی آمریکایی‌ها این است... خب با این طرف مقابل نمی‌شود مذاکره کرد؛ با این دولت نمی‌شود مذاکره کرد. درباره‌ی مسائل گوناگون، هر دولتی که با این دولت مذاکره کند، [او] مشکل درست می‌کند؛ مگر اینکه هم جهت باشند مثل انگلیس. ●

۱. یکی از کارهایی که حتماً باید انجام بگیرد، مقابله‌ی با فساد است. این نامه‌ای که رئیس محترم قوه‌ی قضائیه پرپروز به ما نوشتند و ما هم جواب دادیم و تأکید کردیم، یک گام مهم مثبتی است برای مقابله‌ی با فساد و مفسد؛ مفسد بایستی مجازات بشود. خب حالا چرا این را ما علنی می‌گوییم و اصرار می‌کنیم؟ برای خاطر اینکه تجربه نشان داده که وقتی با فساد و با مفسد، مواجهه و مقابله صورت می‌گیرد، جیغ و داد‌هایی از گوشه و کنار بلند می‌شود.

۲. بعضی‌ها وقتی درباره‌ی فساد حرف می‌زنند، افراطی حرف می‌زنند، حواستان باشد! یک جوری حرف می‌زنند که گویا همه فاسدند... نه آقا! این جوری نیست؛ یک تعداد کمی فاسدند... بعضی‌ها تعبیرات فرنگی هم به کار می‌برند: «فساد سیستمی»؛ نه آقا!... این همه مدیر پاک دست، این همه کارگزار مؤمن و پاک دست در سرتاسر کشور در همه‌ی دستگاه‌ها وجود دارند، دارند زحمت می‌کشند؛ چرا به اینها ظلم می‌کنید؟... بله! در نظام اسلامی یک نفر هم نباید فاسد باشد؛ اما آنچه وجود دارد، مثلاً ده فاسد است، نه ده هزار فاسد؛ خب اینها خیلی تفاوت دارد؛ این را توجه داشته باشید. بعضی‌ها در حرف زدن، در نوشتن، حالا که دیگر فضای مجازی هم هست، راحت بر می‌دارند اینچوا و آنچا می‌نویسند «آقا همه را فساد گرفته»؛ نه آقا! این جوری نیست... توجه داشته باشید که افراط و تفریط در همه‌ی چیزها غلط است. ●

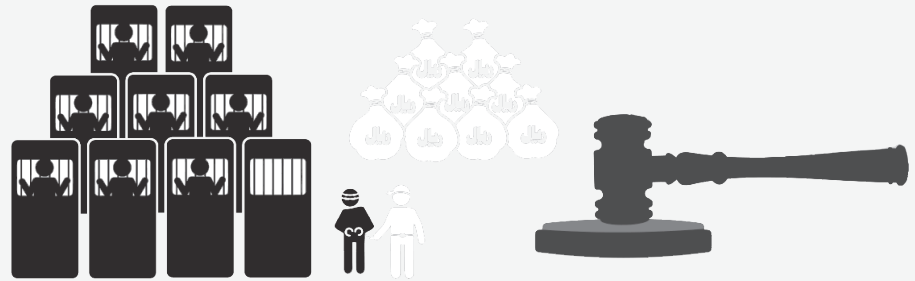


چرا مذاکره با آمریکاضرر دارد؟

آمریکایی‌ها همیشه درخواست داشته‌اند با ما مذاکره کنند. حالا ما چرا مذاکره نمی‌کنیم؟... علت، این است: آمریکایی‌ها فرمول مذاکره‌ای‌شان این است که می‌گوییم:

۱. مذاکره اولاً در عرف سیاسی به معنای نشستن و حرف زدن و احوالپرسی کردن که نیست، مذاکره یعنی دادوستد... خب، آمریکایی‌ها چون متکی هستند به قدرت نظامی و قدرت پولی و قدرت رسانه‌ای وقتی که با یک طرفی می‌خواهند مذاکره کنند، اهداف اصلی خودشان را قبلاً برای خودشان مشخص می‌کنند؛ حالا بعضی از آن اهداف را به زبان هم می‌آورند، بعضی را هم نمی‌گویند؛ در اثنای کار مرتب دبه می‌کنند، مرتب اضافه می‌کنند، مرتب چانه می‌زنند، اما اهداف اصلی برای خودشان مشخص است.

۲. دوم، از این اهداف اصلی یک قدم عقب نمی‌نشینند، بله، اهداف فرعی و چیزهای بیخودی کم‌ارزش را در حاشیه گاهی می‌آورند و از آنها صرف‌نظر می‌کنند که به ظاهر یک نوع عقب‌نشینی است، اما از مقصود اصلی و اهداف اصلی‌شان مطلقاً عقب‌نشینی نمی‌کنند، امتیاز اصلاً نمی‌دهند.



دستور مهم رهبر انقلاب برای مبارزه با فساد

۱. من ده دوازده سال قبل از این یک نامه‌ای نوشتم به سران سه قوه درباره‌ی فساد؛ آنجا گفتیم که این یک... ازدهای هفت‌سر است؛ فساد این جوری است، یک سرش را زدی، چند سر دیگر دارد که بالا می‌آیند؛ باید به‌طور کامل با آن مواجهه بشود. اینکه علنی می‌کنیم، برای این است که همه بدانند، همه بفهمند بنا است با مفسد بدون رعایت هیچ ملاحظه‌ای برخورد قاطع صورت بگیرد.